

حدود و ثغور طهران قدیم

۳۰ دی ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۰۶

طهران ۴۵ سال پیش شهری بود به وسعت تقریبی ۲۱ کیلومتر مربع که تعداد جمعیتش را بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تخمین می زدند. تعداد جمعیت شهر از آن جهت معلوم نبود که هنوز آمار و احصاییه معمول نشده، داشتن شناسنامه هم باب نشده بود و تا موقعی که اولین سرشماری انجام گرفت تعداد جمعیت شهر را با حدس و گمان تخمین می زدند.

طهران ۴۵ سال پیش شهری بود به وسعت تقریبی ۲۱ کیلومتر مربع که تعداد جمعیتش را بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تخمین می زدند. تعداد جمعیت شهر از آن جهت معلوم نبود که هنوز آمار و احصاییه معمول نشده، داشتن شناسنامه هم باب نشده بود و تا موقعی که اولین سرشماری انجام گرفت تعداد جمعیت شهر را با حدس و گمان تخمین می زدند. طهران صورت ۸ ضلعی ناقص الاضلاعی داشت که با خندقی که به دورش حفر کرده بودند از اراضی اطرافش جدا می شد و ارتباط آن با خارج شهر تنها به وسیله ۱۳ دروازه ای بود که اطراکش ساخته شده بود.

عرض خندق بیش از ۶ تا ۱۰ ذرع (۱ ذرع معادل ۱ متر و ۴ سانتیمتر) و عمق آن تقریباً ۴ ذرع بود و آخرین خندق شهر بود که در زمان ناصرالدین شاه حفر شده، محدوده شهر را نسبت به برج و باروهای که در عهد شاه طهماسب صفوی کشیده شده بود و بیش از یک فرسخ محدوده نداشت تا چهار برابر وسعت بخشیده بود.

حدود:

حدود جغرافیایی تهران در زمان مورد بحث عبارت بود از :

شمال : از شرق به غرب در طول خیابان شاه رضا نرسیده به پیچ شمیران تا کمی بعد از چهار راه کالج که به شکل مایل به طرف غرب و خیابان سی متری ممتد می گردید.

غرب : از زیر چهارراه شاه تا نزدیک میدان گمرک.

جنوب : در امتداد خیابان شوش تا میدان شوش.

شرق : در مسیر خیابان شهباز تا بعد از میدان ژاله که کج و معوج و با اضلاع ناقص در جهات فرعی به یکدیگر پیوسته هشت ضلعی نامتناسب شهر را به وجود می آورد.

خیابان های مذکور غیر از خیابان شوش که بعد از همه احداث شد اولین خیابانهای بودند که در زمان پهلوی اول از زمین های دولتی یعنی خندق هایی که پر شده اند به وجود آمد و با ایجاد آنها ضرر و زانی متوجه کسی نشد.

دروازه های داخل شهر :

غیر از دروازه های سیزده گانه اطراف شهر که در امتداد خندق ها شهر را محاصره داشتند دروازه های دیگری نیز در داخل یعنی در مرکز شهر وجود داشت که حدود ارگ شاهی و عمارت شاهی و کاخ های سلطنتی را از شهر مجزا می کرد و عبارت بودند از :

۱- دروازه خیابان چراغ گاز : در شرق میدان سپه و اول خیابان امیرکبیر که با آجر و گچ و بدون زینت ظاهر ساخته شده بود و شاید عمر و فرصت سازنده به تکمیل ساختمان آن کفاف نداده بود.

۲- دروازه ناصریه : ابتدای خیابان ناصر خسرو در ضلع جنوب شرقی میدان سپه مقابل تلگرافخانه.

۳- دروازه باب همایون : اول خیابان باب همایون مشرف به میدان سپه یعنی در قسمت جنوب غربی آن، مقابل دیوار غربی پست و تلگرافیا سر در نقاره خانه که در اعیاد و جشنها بر سر در آن نقاره می نواختند و بعد از خرابی آن دروازه و نقاره خانه ای شبیه به آن جلو میدان مشق به دستور سردار سپه بنا شد که تا کنون برقرار میباشد، اما آن گیرندگی و ظرافت را نتوانست بدست آورد.

۴- دروازه خیابان علاءالدوله : اول فردوسی مشرف به خیابان سپه.

۵ و ۶- دروازه های باغشاه و لاله زار : در زمان خود قاجار برای عبور و مرور واگن برداشته شد و اثری از آنها نمانده بود.

۷- دروازه ارک : جنوب میدان ارک که بر سر در آن نیز نقاره خانه ساخته شده بود.

۸- دروازه نو : بر خلاف نامش دروازه ای کهنه بود در انتهای بازار عباس آباد که از دوران صفویه برجای مانده مخروبه آن هنوز باقی است.

۹- سر در الماسیه : انتهای خیابان باب همایون سر دری دروازه مانند داشت که باغ اندرون شاهی را به خارج مرتبط می

کرد، شبیه به دیگر دروازه ها و با بسته شدن آن دروازه ها راه رفت و آمد به اندرون قطع می گردید.

دروازه های اطراف شهر :

در هر طرف از جهات چهارگانه شهر سه دروازه نیز وجود داشت که عبارت بودند از :

شمال : دروازه شمیران (حدود سر پیچ شمیران فعلی یعنی محل تقاطع خیابان کورش کبیر و شاهرضا) و دروازه دولت (محل تلاقی خیابان های سعدی شمالی و شاهرضا و روزولت) و دروازه یوسف آباد (چهارراه کالج)

غرب : دروازه باغشاه (انتهای خیابان سپه) دروازه قزوین (میدان قزوین) و دروازه گمرک (انتهای خیابان امیریه رو به میدان گمرک)

جنوب : دروازه خانی آباد (میدان خانی آباد در محل تلاقی خیابان خانی آباد یا مولوی با خیابان شوش) دروازه غار(فاصل بین خانی آباد و میدان شوش) دروازه شاه عبدالعظیم (میدان شوش ابتدای جاده شهر ری)

شرق : دروازه خراسان (میدان خراسان ابتدای جاده ری) دروازه دولاب (سه راه شکوفه) و دروازه دوشان تپه (انتهای خیابان ژاله مشرف به میدان ژاله) و جدا از اینها دروازه بی سقفی که ماشین دودی یا قطار حضرت عبد العظیم از آنجا به شهر ری فعلی رفت و آمد مینمود.

نظمیه (اداره) :

اسم این موسسه گرچه در ابتدا نظمیه گذاشته شد اما هیچ یک از ماموران و مردم این اسم را نپذیرفتند و اداره اش خوانده به اسم اداره صدایش زدند و کلا کلمه اداره در اذهان مردم از نظمیه شروع و شناخته شد و اسمی که مردم بسیاری شیفته آن گشته دیوانه عضویت آن گردیدند، از آنجا که بهترین البسه و کفش و کلاه متعلق به نوکرهای آن بود که می پوشیدند و چشم گیرترین عواید از طریق کلک بازی و دزدی گرگی به طرف آنها سرازیر می گردید. پوشششان کلاهی پشمی با نشانی پهن، شیر و خورشید، برگ خرما و انیفرمی زیبا و شلواری گالیفه و چکمه ای ورنی و کمر بند و حمایلی چرمی و باتوم لاستیکی که چوب قانونش می گفتند در پهلوی، صورت ظاهریشان را تشکیل می داد که با هیبت و آبروی آن می توانستند بی آبرویی های بسیار بکنند!

این اداره که به جای داروغه خانه های سابق برقرار شده بود چندان که کنت رئیس خارجی آن بر کنار شده دست خودمانی ها افتاد به فوریت رنگ وطنی گرفته حدت و خشونتش با خلافاکاران به سازش و همگامی با آنان تبدیل یافته محل شراکت با دزد و رفاقت با قافله گردید، تا آنجا که به سرعت آوازه خلافاکاری هایش در اذهان افتاده روی داروغه ها را سفید گردانید!

از جمله افتضاحات آن اینکه حاجی کرملی نامی زوجی قالیچه ابریشمی و یک جفت شمعدان دانه نشانش به سرقت می رود و با توصیه یکی از دوستانش به خانه رئیس نظمیه می رود و وقتی به اتاق وی راهنمایی می شود قالیچه های خود را کوبیده به دیوار و شمعدانهایش را بر سر بخاری می بیند که هرچه رئیس نظمیه دلیل آمدنش را می پرسد جوابی نمی آورد تا آخر که در اثر سماجت بی اندازه او می گوید برای حل دو معما آمده بودم که جواب یکی را از قالیچه های منصوب به دیوار و جواب دیگرش را از شمعدانهای بالای بخاری دریافتم!

در هر صورت ابتدا اداره نظمیه در خیابان جلیل آباد بود تا اینکه از دست آدم لخت کن ها و قزاق های قزاقخانه که مامورانش را مورد دستبرد قرار داده کفش و کلاه و تفنگ و اسلحه شان را ربوده لختشان می کردند آنرا به میدان توپخانه که محل امن تری بود نقل مکان دادند و تابلویی بر سر درش زدند، به عنوان (تشکیلات کل نظمیه مملکتی) و سه اتاق آنرا هم در اختیار اداره تامینات(آگاهی) گذاشتند تا زمان رضا شاه که نظمیه جدید را با نام (شهربانی) در میدان مشق ساختند و با تشکیلاتی دیگر مشغول به کار شد و محل سابقش اداره عبور و مرور و محکمه خلاقی های آن شد و ساختمان ضلع جنوب غربی آن در اختیار اداره تصدیق(گواهی نامه) قرار گرفت.

ساختمان های تهران :

ساختمان های تهران که مانند سایر شئون طبقاتی او کمتر حد متوسطی در آن به نظر می رسید یا متشکل بود از قصور رفیعه و ابنیه ممتاز، در صحن و سرا های عالیمرتبط به شاهزادگان و رجال و بزرگان و دیوانیان و منصوبین به دربار،مانند: پارک ظل السلطان (وزارت فرهنگ بعد و آموزش و پرورش فعلی) پارک امین الدوله در دروازه شمیران. عمارت نگارستانپارک اتابک در لاله زار و ... و خانه های بی انتها و ابتدای بزرگان مانند قصر سپه سالار (مجلس شورای ملی). عمارت رکن الدوله،عمارت مشیرالدوله،فرمانفرما،مستوفی الممالک،امین الملکوزیر دفتر،قوام الدوله،نایب السلطنه و دیگران که هر یک قصری بهشتی و عمارتی افسانه ای به حساب آمده،ده ها و گاهی صدها غلام و کنیز و نوکر و کلفت و خدمه،ماز مهتر و کالسکه چی و میر آخور و باغبان و آشپز و لله و دایه و چراغ چی و نسق چی و چی و چی و چی های دیگر را در خود جا داده،مکان و ماوا معلوم کرده بود،و یا خانه های کوچک محقر خشت و گلی اهالیبا ۲-۳ اتاق که فقط رفع سرما و گرما می نمود و اگر در بین این دو دسته ساختمانها و خانه های قابل توجهی یافت می شد متعلق به تجار و کسبه دسته اول و دوم که باز منتصب به دربار و راهداران با بزرگان و سر سپردگان به سفارتهای و این و آن و مانند آن بود که پولهای بی حساب و کتاب به چنگ می تورندند و خانه هایی که در تبدیل احسن کردن ها به گیر پایین تری ها افتاده پس مانده خورشان بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۰۳/قدیم-طهران-ثغور-حدود>